

## بررسی نقش نشانه‌های شیعی در مراتب حس مکانی اماکن مقدس دوران صفویان

(نمونه موردی مسجد امام و مسجد شیخ لطف‌الله)

### چکیده

در مساجد بازمانده از دوره صفویه در شهر اصفهان، اصول معماری به چشم می‌خورد که به‌عنوان زیرساخت تصمیم‌گیری طراحان این دوره در طراحی نقوش و تزئینات بوده است. بخشی از این تزئینات ارتباط مستقیمی با مفاهیم شیعی دارد لذا بررسی آن می‌توان سهمی در شناخت ماهیت معماری این دوره داشته باشد. روش این پژوهش توصیفی و تحلیلی و با رویکرد کمی و کیفی است. ترکیبی از نوع لانه به لانه کیفی در کمی است که در مرحله کیفی از دو تکنیک مجزا برای شناخت و ارتباطدهی استفاده می‌شود که شامل دلفی و کدگذاری است. در بخش کمی با آزمون‌های آماری استنباطی است. کاربران فضای در این مساجد می‌باشند که به علت عدم داشتن اطلاعات دقیق با استفاده از جدول مورگان محاسبه شده که تعداد ۳۸۴ نفر برای انتخاب بیشترین تعداد برگزیده می‌شود. نتایج مصاحبه با آن متخصصین با نرم‌افزار ATLASTI مورد تحلیل قرار گرفت و در بخش کمی با آزمون‌های آماری استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS سهم عاملی هر یک از نشانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بیشترین سهم عاملی مربوط به شکل‌دهی به فضاهای بزرگ و کوچک که شامل محراب، حوض‌خانه، شبستان، صحن مسجد، گنبد می‌شوند، با مقدار (۱/۰۰۰) است و کمترین سهم عاملی مربوط به مصالح معماری با مقدار (۰/۵۲۳) است. آرایش فضاها در مساجد در دوره صفوی به‌خصوص مساجد شیخ لطف‌الله و امام، موجب شده که انگاره‌ای فضایی آرام و زیبا شکل گیرد و ترکیبی پرمایه و شگفت‌انگیز ابداع شود.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی و تحلیل انواع نشانه‌های شیعی در مسجد شیخ لطف‌الله و امام اصفهان.
۲. بررسی نقش نشانه‌های شیعی بر طیف‌های گوناگون حس مکان در مسجد شیخ لطف‌الله و امام اصفهان.

### سوالات پژوهش:

۱. نشانه‌های شیعی در در مسجد شیخ لطف‌الله و امام اصفهان کدام‌اند؟
  ۲. کدام‌یک از نمادهای شیعی در هر یک از مراتب حس مکانی دارای تأثیر بیشتری می‌باشند؟
- کلیدواژه‌ها:** نشانه‌های شیعی، مراتب حس مکان، اماکن مقدس دوران صفویان، مسجد امام، مسجد شیخ لطف‌الله.

## مقدمه

با ورود اسلام به ایران، به تبع انگاره‌های فرهنگی موجود، هنر و معماری، دچار تغییر گردید و مفاهیم اسلامی یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به آن‌ها شد. این تأثیرگذاری تا حدی عمیق بوده است که باعث ایجاد سبک و هنری جدید با نام هنر اسلامی گردید. با ورود و گسترش مذهب شیعه نیز، ارتباط بین دین و هنر قوت گرفت. هرچند هنر شیعی را در بیشتر موارد می‌توان همان هنر اسلامی دانست چراکه تفاوت بارزی میان این دو هنر دیده نمی‌شود. مهم‌ترین اختلاف میان هنر اسلامی و هنر شیعی، اشاره به مسائلی چون امامت در هنر و معماری است. محدود شدن ساخت آرامگاه‌ها برای بزرگان سیاسی و تمرکز بر ساخت آنان بر مدفن ائمه نیز نمود و انعکاس باورهای پیروان تشیع است. در زمان صفویه که با رسمی شدن مذهب شیعه همراه است، ارتباط بین هنر و قوانین دینی به‌خوبی پایه‌گذاری شد و تمامی مصنوعات هنری و معماری بازگوکننده عناصر شیعی بودند که از ویژگی‌های هنر این عصر به شمار می‌رود. پیش از شروع ساخت آرامگاه بر مدفن بزرگان، گهگاه قبر اشخاص را با نوعی سایبان، چادر و یا چیزی مشابه آن می‌پوشاندند. کاربرد این نوع از سایبان بر اساس قوانین دینی بوده و پیام‌آور برکات بهشتی به شمار می‌رفت. به تدریج این رسم ادامه پیدا کرده و به شکل بناهای باشکوه آرامگاهی درآمد.

یکی از راه‌های شناخت سنت‌ها و باورها در هر قوم و یا ملیت، مطالعه نمادها در هنرها به‌صورت تزئینی و نمادین است؛ زیرا عناصر به‌کاررفته در این هنرها به‌صورت مکتوب و یا منقوش، سرشار از مفاهیمی هستند که لازمه درک آن، تلاش برای مطالعه و تسلط بر محتوای عناصر یاد شده است. نمادپردازی انجام گرفته در داخل بناهای مذهبی به‌صورت کتیبه و گونه‌های مختلفی از تزئینات مانند کاشی‌کاری و... است. در زمان صفویه که با رسمی شدن مذهب شیعه همراه است، ارتباط بین هنر و قوانین دینی به‌خوبی پایه‌گذاری شد و تمامی مصنوعات هنری و معماری بازگوکننده عناصر شیعی بودند که از ویژگی‌های هنر این عصر به شمار می‌رود.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثار متعددی به بررسی حس مکان در مساجد دوره صفوی در اصفهان پرداخته‌اند. تقوایی و ولی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی حس مکان در مسجد شیخ لطف‌الله»، به بررسی نقش مؤلفه نور در ایجاد حس مکان اشاره کرده‌اند. بمانین و فاتحی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین جایگاه نور در حس مکان (نمونه موردی مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان)» نیز از نور به عنوان یک عنصر، مکان‌ساز یاد می‌کند. در این آثار بررسی ارتباط مفاهیم شیعی و حس مکان مورد توجه قرار نگرفته لذا در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است. این پژوهش از لحاظ حیث نوع توسعه‌ای-کاربردی و از جنبه روش دارای ترکیبی لانه به لانه است برای پاسخ به سؤال تحقیق از روش تحقیق کیفی در کمی لانه به لانه استفاده می‌شود. در روش کیفی برای صحت سنجی استخراج متغیرها از سیستم دلفی بهره گرفته می‌شود که شامل این مراحل است، ۱- ابتدا طوفان فکری برای عوامل مهم ۲- محدود ساختن لیست اصلی به مهم‌ترین موارد ۳- رتبه‌بندی لیست عوامل مهم که به‌اختصار توضیح داده می‌شوند.

در این روش ابتدا با استخراج مفاهیم از کد گزاری مصاحبه‌های نیمه ساختار با اندیشمندان انجام گرفته است. سپس از مقوله‌ها و کدهای استخراج‌شده در تدوین پرسشنامه بهره گرفته می‌شود. سؤالات مصاحبه بر اساس مفاهیم مستخرج شده از حس مکان بوده است و برای درستی سؤالات با استفاده از روش دلفی از متخصصین موردبررسی و امتیازدهی قرار می‌گیرد. روایی پرسشنامه با استفاده از فرمول  $CVI = 0,78$  و پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ  $= 0,72$ .

است. برای سهولت از جدول کدینگ از پیش طراحی شده بهره گرفته می‌شود. تحلیل مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی و با استفاده از کدگذاری باز و محوری صورت می‌پذیرد. کدگذاری باز فرآیند، تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. در این مرحله نظریه داده بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را به وسیله بخش‌بندی اطلاعات شکل می‌دهد (Creswell, ۲۰۰۵: ۳۹۷). سپس کدگذاری محوری صورت می‌گیرد. فرایند ربط دهی مقوله‌ها به زیر مقوله و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. در این کدگذاری، کدگذاری حول محور یک مقوله تحقیق می‌یابد (Lee et al., ۲۰۰۱: ۴۹). اشتراوس در مرحله کدگذاری محوری از چند اقدام اصلی بحث کرده که در جدول زیر نشان داده شده است (Lee et al., ۲۰۰۱: ۵۰).

جدول ۱. کدگذاری محوری (Lee et al., ۲۰۰۱: ۴۹)

۱	بیان کردن ویژگی‌های یک مقوله و ابعاد آن، اقدامی که حین کدگذاری باز شروع می‌شود.
۲	شناسایی شرایط گوناگون، کنش یا برهم‌کنش‌های گوناگون و پیامدهای گوناگون مربوط به یک پدیده
۳	ربط دهی یک مقوله به زیر مقوله‌هایش از طریق گزاره‌هایی که چگونگی ربط آن‌ها به همدیگر را مطرح می‌کند.
۴	جستجوی سرنخ‌هایی در داده‌ها که بر چگونگی ربط دهی‌های ممکن مقوله‌های اصلی به هم دلالت دارد.

این بخش شامل دو نمونه‌گیری متفاوت در حوزه کمی و کیفی است. در نمونه‌گیری کیفی نخست از ۲۰ متخصصینی که اشراف کامل به موضوع و مساجد شیخ لطف‌الله و امام اصفهان داشتند، به صورت گلوله برفی انتخاب شدند، و از آن‌ها خواسته شد که به عواملی که میزان بهره‌گیری و دارا بودن عوامل مختلف حس مکان نمره ۱ تا ۱۰ بدهند و مساجدی که امتیاز میانگین آن‌ها بالای ۵ بود برگزیده شده و دوباره به متخصصین برای تأیید انتخاب آن‌ها ارجاع داده شد. در گام بعدی جهت مصاحبه با متخصصین، در این مطالعه با ۴۶ نفر مصاحبه انجام شد که از مصاحبه سی و هفتم به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده گردید. مطابق با اصول گراند تئوری، پس از اجرای اولین مصاحبه، نسبت به جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها اقدام می‌شود.

جدول ۲. تخصیص افراد مورد مصاحبه

مصاحبه‌شوندگان	تعداد	فراوانی	درصد تجمعی
اساتید معماری	۱۶	۳۴.۸	۳۴.۸
اساتید معماری منظر	۹	۱۹.۵	۵۴.۳
اساتید طراحی شهری	۱۲	۲۶.۲	۸۰.۵
اساتید برنامه‌ریزی شهری	۹	۱۹.۵	۱۰۰
مجموع	۴۶	۱۰۰	-

در گام بعدی، بنا به نظر کارشناسان و مدیران و روسای دانشگاه‌ها و متغیرهای استخراج شده، به صورت پرسش‌نامه بسته با پاسخ‌های پنج‌درجه‌ای طیف لیکرت، پرسشنامه تدوین شد. ساختار پرسشنامه شامل سؤالاتی در رابطه با سؤال اصلی پژوهش؛ یعنی بررسی میزان تغییر سهم عوامل مؤلفه‌های حس مکان در مساجد شیخ لطف‌الله و امام بود.

به منظور انجام محاسبات، نمره ۵ برای «تأثیر خیلی زیاد» و نمره ۱ برای «تأثیر خیلی کم» از سوی هر متخصص در نظر گرفته شد و جهت به حداقل رساندن هزینه و زمان، پرسشنامه در میان نمونه تصادفی از جامعه آماری (افراد مراجعه کننده به مساجد شیخ لطف‌الله و امام) توزیع گردید. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان انتخاب شد که شامل ۳۸۴ نفر است که به تناسب جمعیت و تفکیک زن و مرد توزیع گردید.

## نتیجه‌گیری

معماری اسلامی یکی از بزرگ‌ترین جلوه‌های ظهور یک حقیقت هنری در کالبد مادی به‌شمار می‌رود. از لحاظ تاریخی معماری اولین هنری به‌شمار می‌آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نموده و از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار گیرد. معماری اسلامی به‌عنوان یکی از موفق‌ترین شیوه‌های معماری در تاریخ معماری جهان قابل‌بازشناسی است. در یک نگاه جامع‌نگر می‌توان پیوستاری ارزشمند و پویا را در بناهای اسلامی بازشناسی کرد، که موجب شده تمامی آن‌ها در قالبی واحد با عنوان معماری اسلامی در کنار یکدیگر قرار گیرند. هنرهای والای اسلامی از هنرهای تزئینی و کاربردی گرفته تا احداث بزرگ‌ترین بناهای مذهبی اهمیت و اعتبار ویژه‌ای دارد. تزئیناتی چون گچ‌بری، کاشی‌کاری و نقاشی در سراسر دوران اسلامی رواج داشته و در هر دوره‌ای با امکانات آن روزگاران پیشرفت کرده است. از زمان ظهور اسلام مسجد مهم‌ترین و اصلی‌ترین کانون گردهمایی‌ها و اجتماعات بوده است. مکانی نه‌تنها برای گذاردن نماز، بلکه برای آگاهی یافتن از امور مسلمین و... بوده است. برای همین مساجد در شهرهای اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اسلام نقش مؤثری در تکامل و توسعه اغلب هنرها در ادوار مختلف به‌ویژه در عهد صفویه داشته است.

با توجه به یافته‌های تحقیق، شکل‌گیری فضاهای بزرگ و کوچک بیشترین سهم را بر ایجاد حس مکان مساجد شیخ لطف‌الله و امام را داشتند. آرایش فضاها در مساجد در دوره صفوی بخصوص مساجد شیخ لطف‌الله و امام، موجب شده که انگاره‌ای فضایی آرام و زیبا شکل گیرد و ترکیبی پرمایه و شگفت‌انگیز ابداع شود. همچنین درک و دریافت معنای معماری اسلامی، به‌ویژه معماری مساجد، بدون تأویل مفهوم فضای آن مقدور نیست. در تلاش برای ادراک مفهوم فضای معماری اسلامی دشواری رخ می‌نماید. فضا به‌عنوان بنیادی‌ترین مفهوم معماری، همواره ملازم و متضمن کرانمندی بوده است. به واقع، در مقام ادراک حسی تصور فضای معماری بدون تعیین و تعریف حدودی معین ناممکن است. باین‌وجود، فضا در جهان‌بینی اسلامی و در مقام ادراک عقلانی، ازلی، همه‌جا گستر و «ناکرانمند» تصور می‌شود. این نظام شکل‌گیری فضایی مبنای طرح تداوم فضای مثبت را تشکیل می‌دهد. این تداوم فضایی را باید حامل معنایی دانست که به همراه برآوردن، نیازهای عملکردی و فضایی به‌توالی تسلسل حالات و احساسات خواهد انجامید و مخاطب را از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌کند.

## منابع

- آموزگار، حبیب‌الله. (۱۳۳۳). «فرهنگ آموزگار»، تهران: انتشارات تهران.
- اپهام پوپ، آرتور. (۱۳۶۶). «معماری ایران»، ترجمه غلامحسین صدر افشاری، انزلی: ارومیه.
- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. (۱۳۸۰). «حس وحدت»، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان: نشر خاک.
- استیرلن، هانری. (۱۳۷۷). «اصفهان تصویر بهشت»، جمشید ارجمند، چاپ اول، تهران: فیروزان.
- انصاری، مجتبی؛ اخوت، هانیه؛ ملایی، معصومه. (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر عقاید مذهب شیعه بر ارتباطات فضایی مساجد شیعی»، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، شماره ۲۳، ۱۴۵-۱۷۶.
- پادشاه، محمد. (۱۳۶۳). «فرهنگ آندراج»، جلد ششم، تهران: انتشارات خیام.
- پورجعفر، محمد رضا؛ موسوی لری، اشرف السادات. (۱۳۸۱). «بررسی ویژگی‌های حرکت دورانی مارپیچ اسلیمی نماد تقدس، وحدت و زیبایی»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۳، ۲۰۷-۱۸۴.
- پیرنیا، کریم. (۱۳۸۶). «سبک‌شناسی معماری ایران»، تهران: انتشارات پژوهند.
- خلیلی، محمدعلی. (۱۳۳۴). «فرهنگ امیرکبیر»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- داعی‌الاسلام، محمدعلی. (۱۳۵۸). «فرهنگ نظام»، جلد پنجم، تهران: انتشارات دانش.
- زمرشیدی، حسین. (۱۳۶۵). «گره چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی»، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاهی.
- زمانی، عباس. (۱۳۶۳). «مقرنس تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران»، هنر و مردم، شماره ۱۰۲ و ۱۰۳، ۸-۲۵.
- صحراگرد، مهدی. (۱۳۸۶). «گردهمایی مکتب اصفهان»، مجموعه مقالات خوشنویسی، چاپ اول، فرهنگستان هنر، تهران.
- سجادی، عباس. (۱۳۷۵). «سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول»، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰). «شیعه»، به کوشش خسرو میرشاهی، تهران: بوستان کتاب.
- عمید، حسن. (۱۳۴۷). «فرهنگ عمید»، جلد اول، تهران: میراث فرهنگی.
- غفاری، امیرجلال الدین. (۱۳۳۶). «فرهنگ غفاری»، جلد ششم، تهران: دانشگاه تهران.
- فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ۵۷-۶۱.
- فیاضی، محمدانور؛ جباری، محمدرضا. (۱۳۹۰). «نمادهای اجتماعی شیعه در عصر حضور: نمادهای زبانی»، تاریخ در آینه پژوهش، ۸(۲۹)، ۱۳۷-۱۶۴.
- قاسملو، مجتبی. (۱۳۹۲). «تاریخ فشرده خط و خوشنویسی: چگونگی پیدایی و تحول خط از تصویرنگار تا نستعلیق»، تهران: نشر سخن.
- کوثری، مسعود. (۱۳۹۰). «هنر شیعی در ایران»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۳، شماره ۱، ۷-۳۶.
- مایل هروی، غلامرضا. (۱۳۵۳). «لغات و اصطلاحات فن کتاب‌سازی»، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مکی‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۷). «تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: تزیینات معماری»، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نجیب اوغلو، گلرو. (۱۳۷۹). «هندسه و تزیین در معماری اسلامی»، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: انتشارات روزنه.

Borer M, Hedges L, Higgins J, Rothstein H. (۲۰۱۶). Introduction to Meta-Analysis. UK: Wiley & Sons publication

Shamai, S. (۱۹۹۱). "Sense of place: an empirical measurement". *Geoforum*, ۲۲(۳), ۳۴۷-۳۵۸.

Creswell, J. W. (۲۰۰۳). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*, Second Edition, Thousand Oaks, CA: Sage Publications

Lee T. (۱۹۷۰). "Urban neighborhood as a social- spatial ature in raumen". *Gesunheits- ing* (۹۰): ۲-۱۰.

(۲۰۱۱). "The Concept of Place and Sense of Place in Architectural Najafi, Sharif, M. studies", *international journal of Humanties and Social science*, ۵(۸), ۱۱۰۰-۱۱۰۶.

Tuan, Y.F. (۲۰۰۱). *Space and Place: The Perspective of Experience*, University of Minnesota Press, Minneapolis.